

عملکرد اقتصادی جهان نفت عامل تعیین کننده

ترجمه و تلخیص از سیمین عبدالعلی زاده شهیر



روند صعودی قیمت‌های نفت که از سال ۲۰۰۱ آغاز شده است در سال جاری شدت یافت، به گونه‌ای که در اوایل سال، قیمت نفت خام‌های شاخص برنت و WTI از مرز هر بشکه ۳۰ دلار گذشت. از ماه مارس ۲۰۰۴ نیز عواملی نظیر ترس از کاهش عرضه اوپک، تنش‌های سیاسی در ونزوئلا و کمبود ذخایر موجب شد قیمت‌های هر بشکه نفت بیش از ۱۰ دلار نسبت به قیمت‌های سه سال قبل افزایش یابد که به ارقام واقعی، بیشتر از میانگین قیمت‌ها از سال ۱۹۸۶ (کاهش شدید قیمت‌ها) تاکنون می‌باشد، لیکن این رقم کمتر از میانگین ۱۳ ساله پس از بحران سال ۱۹۷۳ (۱۹۸۵-۱۹۷۳) است (نمودار ۱). این افزایش قیمت و احتمال افزایش بیشتر آن در آینده، توجه همگان را به تهدیدی که بار دیگر اقتصاد جهانی با آن روبرو است، جلب میکند.

مقاله حاضر مروری بر چگونگی اثر قیمت‌های نفت بر اقتصاد کلان داشته و آسیب‌پذیری اقتصاد کشورهای OECD (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) و نیز کشورهای در حال توسعه را نسبت به تداوم دوره افزایش قیمت نفت، مورد آزمون قرار میدهد. این آزمون توسط IEA (سازمان بین‌المللی انرژی) با همکاری اداره بررسی‌های اقتصادی OECD و با کمک اداره بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول انجام شده است. بخش بعدی این مقاله، مکانیزم عمومی تاثیر قیمت‌های بالای نفت بر اقتصاد جهانی را شرح میدهد. بدنبال آن اثر افزایش ثابت قیمت‌های نفت به میزان هر بشکه ۱۰ دلار، ابتدا بر کشورهای OECD و سپس بر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذر و در انتها اثر خالص بر اقتصاد جهان ارائه میگردد.

چگونه قیمت‌های بالای نفت بر اقتصاد جهان اثر میگذارد

قیمت‌های نفت مهمترین عامل تعیین کننده عملکرد اقتصاد جهانی است. بطور کلی، افزایش قیمت نفت منجر به انتقال درآمد از کشورهای واردکننده به کشورهای صادرکننده از طریق شیفت در مبادله تجاری میشود. میزان اثر مستقیم افزایش قیمت نفت به سهم هزینه نفت در درآمد ملی کشور، درجه وابستگی به نفت وارداتی و توانایی کاربران نهایی برای کاهش مصرف خود و تعویض سوخت مصرفی از نفت به سایر سوختها بستگی دارد. علاوه بر این، میزان افزایش قیمت سایر حامل‌های انرژی در واکنش به افزایش قیمت‌های نفت نیز در این امر تاثیر بسزایی دارد. طبیعتاً هر چه افزایش قیمت نفت بیشتر باشد و مدت بیشتری تداوم داشته باشد، اثرات آن بر اقتصاد کلان بیشتر خواهد بود. برای کشورهایی که بطور خالص صادرکننده نفت هستند، افزایش قیمت نفت از طریق فزونی درآمدهای صادراتی، موجب افزایش درآمد واقعی ملی میشود، البته قسمتی از این درآمدها به دلیل کاهش تقاضا برای صادرات این کشورها (بواسطه رکود اقتصادی در کشورهای طرف تجاری) از دست میرود.

اثرات تعدیلی ناشی از چسبندگیهای دستمزدهای واقعی، قیمت و کل ساختار اقتصادی بر اثرات درآمدی مستقیم علاوه میگردد. در کشورهایی که بطور خالص واردکننده نفت هستند، قیمت‌های بالاتر نفت منجر به تورم شده، هزینه نهاده‌های اولیه را افزایش، تقاضا برای

دولت با سیاست گذاری‌های خود فقط میتواند تاحدی از اثرات نامطلوب فوق‌الذکر بکاهد، اما نمیتواند آنها را بطور کل از بین ببرد. البته سیاست‌گذاری نامناسب نظیر سیاست‌های بیش از حد انقباضی پولی و مالی جهت کاهش تورم میتواند این اثرات را تشدید نموده و رکود درآمدی و بیکاری را افزایش دهد.

افزایش قیمت نفت موازنه تجاری بین کشورها و نرخ ارز را نیز تغییر میدهد. کشورهایی که بطور خالص واردکننده نفت هستند، معمولاً با وخامت موازنه پرداختها روبرو میشوند که این امر اثر نزولی بر ارزش پول ملی آنها خواهد داشت. در نتیجه، واردات بشدت گران شده و صادرات آنها ارزش کمتری پیدا میکند و این امر نیز منجر به افت درآمد واقعی ملی میشود. در کشورهای تولیدکننده نفت، در صورت عدم تغییر سیاست‌های پولی، به دلیل افزایش دارایی‌های خارجی به دلار، تقاضای این کشورها برای دلار فزونی یافته و ارزش دلار افزایش خواهد یافت. برآوردهای کمی در خصوص میزان زیان اقتصادی ناشی از شوک‌های قیمت نفت در گذشته نشان میدهد که در دو سال بعد از افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و ۱۹۸۰-۱۹۷۹، رشد اقتصادی در اغلب کشورهای واردکننده نفت بشدت کاهش یافته است. در حقیقت بیشتر رکود اقتصادی در ایالات متحده آمریکا، اروپا و منطقه پاسیفیک

کالا‌های غیر نفتی را کاهش و در نهایت موجب کاهش سرمایه‌گذاری میشود. چسبندگی در هزینه‌های دولتی که خود منجر به افزایش نرخهای بهره میگردد موجب کاهش درآمدهای مالیاتی و افزایش کسری بودجه میگردد. به دلیل مقاومت در مقابل کاهش دستمزدهای واقعی، افزایش قیمت نفت معمولاً منجر به فشار صعودی بر سطوح اسمی دستمزدها میشود. فشار دستمزدها همراه با کاهش تقاضا، حداقل در کوتاه مدت، به بیکاری بیشتر منتهی میگردد.

**سطوح قیمتی بالا
می‌تواند اثرات مخربی
بر اقتصاد جهان
داشته باشد**

جدول ۱: شاخصهای اقتصاد کلان OECD (با فرض هر بشکه نفت ۳۵ دلار)

۲۰۰۵	۲۰۰۴	
-۰/۴	-۰/۴	GDP
+۰/۶	+۰/۵	شاخص CPI
+۰/۱	+۰/۱	نرخ بیکاری
-۴۲	-۳۲	حساب جاری (میلیارد دلار)

را بین نوسانات قیمت نفت و تغییرات کوتاه مدت در نرخ تورم نشان میدهد. (نمودار ۲)

در حالت تداوم قیمت‌های بالای نفت، میانگین نرخ بیکاری در OECD یک دهم واحد درصد بیشتر از حالت پایه طی چهار سال اول دوره مورد بررسی است. این رقم معادل از دست دادن بیش از ۴۰۰,۰۰۰ شغل در سراسر کشورهای عضو میباشد. با روند کاهشی دستمزدهای واقعی به دلیل تخریب رابطه مبادله و درآمدها، این نرخ به سمت نرخ سناریوی پایه تغییر مییابد. اگر چسبندگی در بازار کار مانع از تعدیل در دستمزدهای واقعی شود، اثر نامطلوب بر بیکاری و بر نرخ عمومی تورم شدت خواهد یافت.

به دلیل افزایش هزینه نفت وارداتی و نیز وجود تورم، وضعیت تراز تجاری OECD نیز در کوتاه مدت وخیم خواهد شد. در سال ۲۰۰۶، کسری حساب جاری به اوج خود یعنی بیش از ۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

اثر قیمت‌های بالای نفت بر اقتصاد هر یک از کشورهای OECD متفاوت است که دلیل آن اختلاف در میزان وابستگی به واردات نفت است. کشورهای ناحیه یورو که بشدت به واردات نفت وابسته هستند، در کوتاه مدت بشدت متضرر خواهند شد. سطوح بیکاری تشدید شده و کسری بودجه آنها افزایش خواهد یافت. پایین بودن شدت نفت در ژاپن تاحدی وابستگی به نفت وارداتی را جبران می‌کند. اما به دلیل از دست دادن GDP، کسری بودجه این کشور افزایش مییابد. ایالات متحده کمترین ضرر را متحمل خواهد شد، زیرا این کشور تقریباً ۴۰ درصد از نیازهای نفتی خود را از محل تولیدات داخلی تامین می‌نماید. معهدا، بیکاری که عمده ترین مسئله سیاسی کنونی این کشور است، در کوتاه مدت تشدید خواهد شد. برای کشورهای OECD صادرکننده نفت، در اولین سال دوره مورد بررسی، اثر افزایش قیمت بر GDP مثبت خواهد بود، اما در بیشتر حالات، رشد GDP نسبت به حالت پایه بعد از دو تا سه سال کاهش خواهد یافت که دلیل آن کاهش در صادرات کالاها و خدمات غیر نفتی به کشورهای واردکننده نفت است.

اثر افزایش قیمت‌های نفت بر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذر

اثر نامطلوب قیمت‌های بالای نفت بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت نسبت به کشورهای OECD نسبتاً با وخامت بیشتری همراه است. دلیل این امر وابستگی بیشتر اقتصاد به نفت وارداتی، انرژی بر بودن اقتصاد و نیز

یافته و شدت نفت نیز نصف شده است. معهدا، کشورهای OECD بشدت به واردات نفت وابسته هستند. فقط کشورهای کانادا، دانمارک، مکزیک، نروژ و انگلستان در حال حاضر بطور خالص صادرکننده هستند. هزینه واردات نفت در کل OECD در سال ۲۰۰۳ بیش از ۲۶۰ میلیارد دلار برآورد میشود که معادل ۱ درصد GDP است. از سال ۲۰۰۱ هزینه واردات به میزان ۲۰ درصد در سال افزایش یافته است.

اثرات نامطلوب بالای نفت در اقتصاد کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت با وخامت بیشتری همراه است

نتایج حاصل از آزمون انجام شده حاکی از آن است که در میان مدت قیمت‌های بالای نفت اثر نامطلوبی بر عملکرد اقتصادی OECD خواهد داشت، البته این اثرات در بلندمدت کمتر خواهد بود (جدول ۱). با تخریب رابطه مبادله و کاهش درآمد ناشی از آن، نرخ رشد GDP در دو سال اول کاهش یافته و این امر خود منجر به تقلیل مصرف و سرمایه‌گذاری در داخل میگردد. طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، GDP کشورهای OECD ۰/۴ واحد درصد و در کل دوره پیش بینی پنج ساله، بطور میانگین ۰/۳ واحد درصد نسبت به حالت پایه کمتر است.

قیمت‌های بالای نفت موجب افزایش شاخص CPI به میزان ۰/۵ واحد درصد نسبت به حالت پایه در طول دوره مورد بررسی میگردد. روندهای اخیر همبستگی مشخصی

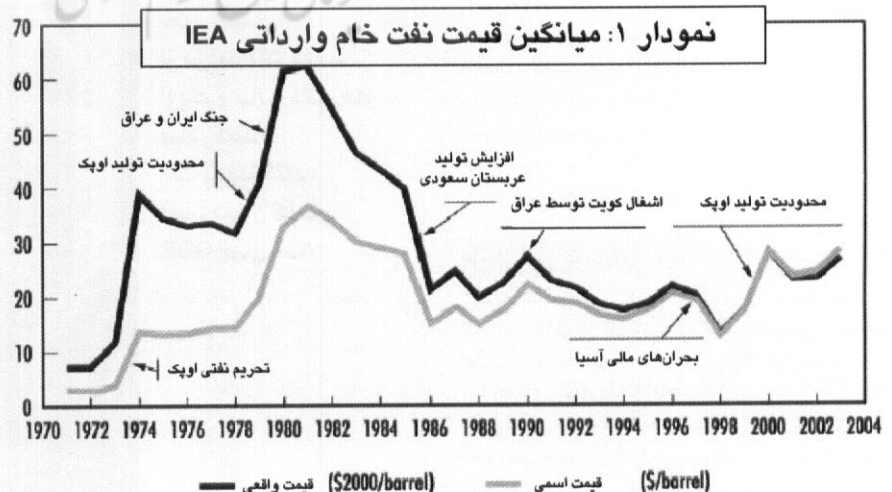
از دهه ۱۹۷۰ عمدتاً در پی افزایش ناگهانی قیمت نفت خام رخ داده است.

بهبود رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت به دلیل افزایش قیمت‌های نفت در گذشته، همواره کمتر از ضرر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده بوده است، به گونه‌ای که خالص اثرات همیشه منفی میباشد. دلیل عمده آن این است که میل به مصرف در کشورهای متضرری که بطور خالص واردکننده نفت هستند بیشتر از میل به مصرف در کشورهای صادرکننده نفت است. تقاضا در کشورهای گروه دوم در واکنش به افزایش قیمت‌ها و عواید صادراتی افزایش تدریجی دارد بطوریکه خالص تقاضای جهانی در کوتاه مدت کاهش می‌یابد.

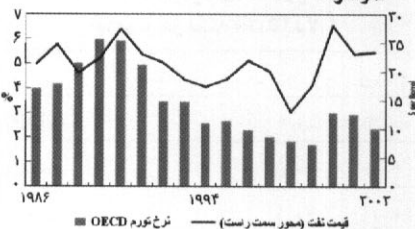
در این مقاله ارزیابی میزان اثر افزایش قیمت نفت بر اقتصاد کشورها طی دو سناریو و با استفاده از سه مدل OECD Interlink برای پیش بینی چشم انداز اقتصادی OECD، مدل Multimod صندوق بین المللی پول برای چشم انداز اقتصادی جهان و مدل انرژی جهان IEA برای پیش بینی چشم انداز انرژی جهان صورت گرفته است. در سناریوی اول (سناریوی پایه) قیمت هر بشکه نفت ۲۵ دلار و در سناریوی دوم با فرض تداوم قیمت‌های بالای نفت، قیمت هر بشکه نفت ۳۵ دلار (۱۰ دلار بیشتر از سناریوی پایه) فرض شده است. دوره مورد بررسی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ میباشد. در هر دو سناریو نرخ اسمی دلار در سطح اواخر سال ۲۰۰۳ ثابت در نظر گرفته شده است. در عمل، هر گونه تغییر در ارزش دلار، تاثیر قیمت‌های اسمی نفت بر اقتصاد جهانی را تغییر خواهد داد. افت ارزش دلار در مقابل ارزهای اغلب کشورهای OECD طی دو سال گذشته، اثر افزایش قیمت نفت در این کشورها را کاهش داد.

اثر افزایش قیمت نفت بر کشورهای OECD

کشورهای OECD، علیرغم کاهش در خالص واردات نفت در منطقه و حتی کاهش بیشتر در شدت نفت آپس از اولین شوک نفتی، هنوز هم نسبت به افزایش قیمت نفت آسیب پذیر هستند. در فاصله بین سالهای ۱۹۷۳ و ۲۰۰۲، خالص واردات این کشورها به میزان ۱۴ درصد کاهش



نمودار ۲



پایین بودن کارایی انرژی در این کشورهاست. شدت نفت در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت بطور متوسط بیشتر از دو برابر کشورهای OECD میباشد. به دلیل جایگزینی سوختهای تجاری مدرن با سوخت‌های سنتی در بخشهای خانگی و صنعت، شدت نفت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچنان رو به افزایش است. سهم واردات نفت در کل واردات منعکس‌کننده افزایش شدت نفت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بویژه در چین و هند است.

عدم توانایی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت جهت جایگزینی سریع نفت با سوختهای جانشین که قیمت آنها نسبت به فرآورده‌های نفتی کمتر افزایش مییابد، آسیب‌پذیری این کشورها را نسبت به قیمت‌های بالای نفت بیشتر میکند. افزایش در هزینه واردات نفت منجر به بی‌ثباتی تراز تجاری و در نهایت تورم بیشتر در کشورهای در حال توسعه میگردد. تخریب رابطه مبادله کشورهای

در حال توسعه اغلب بواسطه کاهش شدید ارزش پول ملی ناشی از افت شدید ورود سرمایه، شدت مییابد. قیمت‌های بالای نفت و به دنبال آن کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار، هزینه بازپرداخت بدهیهای خارجی را نیز افزایش خواهد داد. این مشکل در کشورهای در حال توسعه فقیر، بخصوص کشورهایی که قبلاً دچار کسری بالای تراز تجاری بوده‌اند، بیشتر مشاهده میشود.

اثر افزایش قیمت‌های نفت بر گروه کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذر کمتر از کشورهای OECD خواهد بود، زیرا این گروه شامل تعدادی کشور صادرکننده نفت نیز می‌باشد. براساس برآوردهای اخیر توسط IMF، تداوم افزایش قیمت هر بشکه نفت به میزان ۱۰ دلار منجر به کاهش ۰/۴ واحد درصد در GDP واقعی کل کشورهای غیر OECD (شامل کشورهای صادرکننده نفت) بعد از سال اول میشود. بالعکس، کل تراز تجاری این کشورها در همین سال به میزان ۰/۴ واحد درصد (درصدی از GDP) بهبود مییابد. زیرا بهبود تراز تجاری تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه، آسیای میانه (شامل روسیه)، آفریقا و آمریکای لاتین بیشتر از تضعیف تراز تجاری کشورهای واردکننده نفت در این مناطق است.

آسیا که حجم بالایی از نفت خود را وارد میکند؛ یک سال بعد از افزایش قیمت، در مجموع حدود ۰/۸ واحد درصد GDP از دست میدهد و یک واحد درصد (نسبت به GDP) کاهش در تراز حساب جاری را تجربه خواهد کرد. ضرر بعضی از کشورها به مراتب بیشتر است GDP. از دست رفته

چین ۰/۸ واحد درصد و مازاد تراز حساب جاری آن که در سال ۲۰۰۲ به حدود ۳۵ میلیارد دلار بالغ میگردد، در سال اول به میزان ۶ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت. ۶٪ از وضعیت تراز تجاری سایر کشورهای آسیایی نیز به میزان بیش از ۸ میلیارد دلار کاسته خواهد شد. با فرض اینکه افزایش در قیمت‌های بین‌المللی نفت به سرعت به قیمت‌های داخلی سرایت نماید، نرخ تورم نیز افزایش قابل توجهی خواهد یافت. در سال ۲۰۰۴ نرخ تورم کشورهای چین و تایلند به میزان یک واحد درصد افزایش مییابد.

در اولین سال پس از افزایش قیمت نفت به میزان هر بشکه ۱۰ دلار، GDP از دست رفته در کشورهای فقیر و بشدت مقروض حدود ۷۶ واحد درصد برآورد میشود GDP. از دست رفته در کشورهای آفریقای جنوبی که دارای شدت نفت بیشتر و اقتصادهای شکننده تری هستند، بیش از ۳ واحد درصد میباشد. هزینه واردات سوخت نسبت به GDP بویژه در آفریقا بالا است. در سال ۲۰۰۰، کشورهای آفریقای منطقه صحرا ۱۴ درصد از GDP خود را برای واردات سوخت هزینه کردند. بهمین دلیل نوسانات شدید در قیمت‌های نفت میتواند منجر به تغییر شدید در تراز حساب جاری آنها شود. نتیجه این امر معمولاً تعدیلات شدید اقتصادی است که با کاهش عمده مصرف داخلی همراه است، زیرا دسترسی این کشورها به بازار بین‌المللی سرمایه جهت تامین مالی کسری موقت تراز تجاری محدود است.

آمریکای لاتین در کل ضرر کمتری را نسبت به آسیا از افزایش قیمت‌های نفت متحمل میشود، زیرا خالص واردات نفت به این منطقه بسیار کمتر است. رشد اقتصادی آمریکای لاتین فقط ۰/۲ واحد درصد کاهش خواهد یافت GDP. اقتصادهای در حال گذر و آفریقا در کل به میزان ۰/۲ واحد درصد افزایش خواهد یافت، زیرا آنها بطور خالص صادرکننده نفت محسوب میشوند.

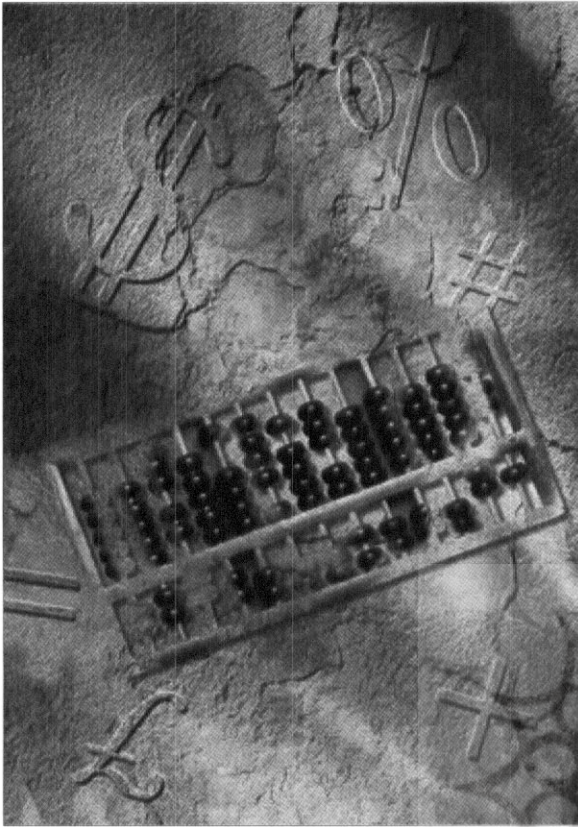
برآوردهای IMF حاکی از آن است که در حالت تداوم قیمت‌های بالای نفت، خالص تراز تجاری کشورهای عضو اوپک، با در نظر داشتن رشد پایین اقتصاد جهان، در ابتدا به میزان ۱۲۰ میلیارد دلار یا حدود ۱۳ درصد GDP بهبود خواهد یافت. ونزوئلا کمترین و نیجریه بیشترین عایدی را خواهند داشت که این امر نشان دهنده اهمیت نفت در اقتصاد این کشورها است. اثر قیمت‌های بالای نفت در رشد اقتصادی کشورهای اوپک به عوامل متعددی بویژه چگونگی مصرف درآمد پدست آمده بستگی خواهد داشت. در بلندمدت درآمد نفتی اوپک و GDP احتمالاً کمتر خواهد بود، زیرا قیمت‌های بالای نفت کاهش میزان تولید را جبران نخواهد کرد.

اثر افزایش قیمت‌های نفت بر کل اقتصاد جهان

نتایج شبیه سازی تداوم قیمت‌های بالای نفت بر کل کشورها حاکی از آن است که خالص اثرات بر اقتصاد جهانی منفی خواهد بود. در مجموع GDP از دست رفته دنیا حداقل نیم درصد (معادل ۲۵۵ میلیارد دلار) برآورد میشود. این امر عمدتاً به این دلیل است که تحرکات اقتصادی ناشی از افزایش درآمد صادرات نفت در کشورهای OPEC و سایر کشورهای صادرکننده نفت، اثر

نحوه استفاده
از درآمد نفت توسط
اوپک و سایر کشورهای
صادرکننده
نفت تعیین‌کننده
اصلی میزان کاهش
GDP جهان است





بهبود رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت به دلیل افزایش قیمت نفت در گذشته همواره کمتر از ضرر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده بوده است

این مسئله بر اقتصاد کشورهای واردکننده نفت میتواند شدید باشد. شدت عدم توازن مالی نیز فشار برای افزایش نرخهای بهره را تشدید نموده و اعتماد مصرفی و تجاری نیز کمتر خواهد شد که روند صعودی چرخه اقتصادی فعلی را تهدید خواهد کرد. ●

1. International Energy Agency, "Analysis of the Impact of High Oil Prices on the Global Economy", May 2004.

۲. به عنوان مثال، ارزش یورو از سال ۲۰۰۴ به بعد ۷۱۴ دلار فرض شده است.

۳. میزان مصرف نفت برای تولید یک واحد GDP شدت نفت نامیده میشود.

۴. تحلیلهای دیگر در رابطه با اثر قیمتهای بالای نفت بر اقتصاد کشورها با استفاده از مدلها و فرضیات مختلف نتایج متفاوتی داشته است، اما اثر منفی در کلیه حالات قابل توجه بوده است.

۵. IMF چشم انداز اقتصادی جهان، (آوریل ۲۰۰۲ و آوریل ۲۰۰۳). مطالعات اخیر IMF قیمت نفت پایه را هر بشکه بین ۲۳ تا ۲۷ دلار فرض میکنند. این فرض مشابه فرض سناریوی پایه ۲۵ دلار برای هر بشکه در IEA/OECD برای دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۸ میباشد. برآوردهای IMF برپایه افزایش هر بشکه ۵ دلار می باشد که نتایج آن با نتایج حاصل از افزایش هر بشکه ۱۰ دلار ارتباط خطی دارند.

۶. براساس نتایج حاصل از مدل Interlink در مورد سناریوی تداوم قیمتهای بالای نفت.

بحرانهای مالی ناشی از هزینه بالای واردات نفت می باشد. برخلاف شوکهای نفتی در گذشته، در حال حاضر افزایش قیمتها در شرایط احیای اقتصاد، مازاد ظرفیت و تورم پایین صورت گرفته است. طی سال گذشته، رشد CPI تقریباً در کلیه کشورهای OECD کاهش یافته است. کاهش ارزش دلار از سال ۲۰۰۲ قسمتی از اثر افزایش قیمت نفت را در بسیاری از کشورها بخصوص در منطقه یورو و ژاپن جبران کرده است. کاهش منافع موجب تضعیف وضعیت سرمایه گذاری و نیز افزایش بیکاری که از سال ۲۰۰۳ در بسیاری از نقاط جهان آغاز شده بود، گردیده است. علاوه بر این، مقامات مالی بسیاری از کشورها تاکنون قادر به ثابت نگه داشتن سطوح نرخ بهره، بدون مواجهه با ریسک نوسانات نرخ تورم، بوده اند.

البته هنوز تهدید اقتصاد جهان توسط قیمت های بالای نفت واقعی است. ترس از کاهش عرضه اوپک، تنشهای سیاسی در ونزوئلا و کاهش ذخایر استراتژیک موجب افزایش بیشتر قیمتهای بین المللی نفت و فرآورده های نفتی گردیده است. بی ثباتی موجود در بازار تاحدی ناشی از نااطمینانی در جغرافیای سیاسی است. بازار محدود فرآورده، بویژه بنزین در آمریکا نیز باعث فشار صعودی بر قیمتها شده است. افزایش بیشتر قیمتها طی چند ماه گذشته اشاره به تداوم افزایش قیمت نفت دارد. در این صورت، بخصوص با در نظر گرفتن مشکل کسری شدید بودجه که در حال حاضر منطقه OECD با آن روبرو است و نیز سطوح بالای بیکاری در بسیاری از کشورها، عواقب

رکودی قیمتهای بالای نفت بر فعالیت اقتصادی کشورهای واردکننده نفت را تا حدودی خنثی مینماید. انتقال درآمد از واردکنندگان نفت به صادرکنندگان آن به تنهایی مبلغی معادل ۱۵۰ میلیارد دلار میباشد. تا سال ۲۰۰۸، افزایش تقاضا از جانب کشورهای صادرکننده نفت موجب افزایش صادرات و GDP کشورهای واردکننده نفت گردیده و در نتیجه کاهش GDP کل جهان تاحدودی نقصان مینماید.

نحوه استفاده از درآمد نفت توسط اوپک و سایر کشورهای صادرکننده نفت، تعیین کننده اصلی میزان کاهش GDP جهان است. هرچه میل نهایی کشورهای تولیدکننده نفت به پس انداز درآمد حاصله بیشتر باشد، کاهش اولیه GDP بیشتر خواهد بود.

قیمتهای بالای نفت، بواسطه تاثیر بر فعالیت اقتصادی، عواید شرکتها و تورم، اثرات عمدهای نیز بر بازارهای مالی، بخصوص ارزش سهام، نرخهای ارز و تامین مالی دولتها خواهد داشت، حتی اگر هیچ تغییری در سیاستهای پولی داده نشود. به عنوان مثال ارزش سهام و بدیهیای کشورهای واردکننده نفت در بازار بین المللی سرمایه به صورت نزولی و در مورد کشورهای صادرکننده نفت به صورت صعودی تعدیل خواهد شد. نرخهای ارز نیز همتراز با تغییرات تراز تجاری تعدیل خواهند شد. قیمتهای بالای نفت منجر به افزایش ارزش دلار آمریکا خواهد شد و این امر هزینه بازپرداخت بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت را افزایش خواهد داد و در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی ناشی از قیمتهای بالای نفت تشدید خواهد شد. علاوه بر این عدم توازن مالی ناشی از درآمد پایین در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت شدت خواهد یافت. بویژه در کشورهایی نظیر هند و اندونزی که به منظور حمایت از خانوارهای فقیر و صنایع داخلی، به فرآورده های نفتی یارانه مستقیم پرداخت میشود.

علاوه بر موارد ذکر شده لازم است که اثرات ثانویه قیمتهای بالای نفت بر اطمینان تجاری و مصرفی و نیز تغییرات احتمالی در سیاستهای پولی و مالی نیز در نظر گرفته شود. کاهش اعتماد تجاری و مصرفی ناشی از شوک نفتی میتواند به شیفتهای مهم در سطوح و نحوه سرمایه گذاری، پس انداز و مصرف منتهی شود. از دست دادن اطمینان و واکنش های سیاسی نامتناسب، بویژه در کشورهای واردکننده نفت، میتواند اثرات اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت را در میان مدت تشدید نماید.

نتیجه گیری

قیمتهای نفت همچنان بعنوان یک متغیر مهم در اقتصاد کلان مطرح است و سطوح قیمتی بالا می تواند اثرات مخربی بر اقتصاد کشورهای واردکننده نفت و نیز بر کل اقتصاد جهان داشته باشد. برطبق نتایج شبیه سازی ارائه شده در این مقاله، در صورتیکه قیمت های نفت در سطح سال ۲۰۰۱ قرار داشتند، رشد GDP جهان می توانست حداقل ۵/۵٪ واحد درصد طی دو یا سه سال گذشته بیشتر باشد. کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت در مجموع با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد زیرا این کشورها دارای شدت نفت بالاتری هستند و کمتر قادر به تحمل